

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

امیرالمؤمنین علیه السلام

در بندگی، برترین

در مظلومیت، پیش‌ترین

۲۶ تیر ۱۳۸۷

۱۳ رجب ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

چکیده سخن؛

در ادامه بحث فتوحات و کشور گشایی های صدر اسلام که به وسیله خلفای سه گانه صورت گرفت نکات قابل تأملی را از ابعاد و زوایای مختلفی همچون بُعد تاریخی، اجتماعی، جامعه‌شناسی، فردشناسی و در نهایت از بعد فقهی مورد نقد و بررسی قرار دادیم. این جلسه در صدد بودیم با مطالعه دقیق و موشکافانه دیگری زوایای جدیدی از مسایل اجتماعی و انگیزه‌ها و اهداف خلفاء از چنین اقداماتی را نقل و نقد نماییم تا شاید فصل الخطابی قاطع بر این جدال هزار و چهار صد ساله بین عامه و خاصه باشد.

اما امروز چون روز ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام است و ادای حق مولا امیرالمؤمنین علیه السلام بر همه ما لازم و واجب است و از سوی دیگر چون زبان و کلام انسانهای عادی و الفاظ و جملات معمولی، توان بیان یکی از هزاران فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام را ندارد به ناچار باید دست به دامان کسانی بشویم که خود از جنس نور باشند و چشمهایشان از وسعت دریای فضایل مولى الكونین علیه السلام خیره نماند. به همین منظور، زیارت صحیح و معتبری را که مرحوم ابن المشهدی در کتاب شریف «المزار» از امام هادی علیه السلام نقل کرده و مرحوم محدث قمی هم

در «مفاتیح الجنان» ذکر کرده است، با یکدیگر مرور می‌کنیم. روزی که امام هادی علیه السلام به دستور معتصم عباسی از مدینه به سامرا تبعید شدند، در بین راه وقتی کنار تربت پاک جدشان امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدند توقف فرموده و زیارتی را که سرشار از معرفت است، انشاء فرمودند. من به علمای حاضر در مجلس و همه کسانی که این سخنان را در آینده می‌شنوند و یا قرائت خواهند کرد، توصیه می‌کنم که از توجه و تعمق در تک تک فرازهای این زیارت کوتاهی نکنند. اگر ادعا کنیم که یک سال زمان می‌طلبد تا تک تک فرازهای این زیارت شریف مورد دقت قرار گیرد، سخن گزافی به زبان نیاورده‌ایم. ما در این فرصت محدود، تنها به یک نکته از این زیارت شریف - که سخن و درد دل امام هادی علیه السلام با جد بزرگوارش علیه السلام است - اشاره خواهیم کرد و از بقیه تعابیر زیارت به صورت فشرده و با سرعت می‌گذریم.

حضرت امام هادی علیه السلام چون در آستانه حرم امیرالمؤمنین علیه السلام ایستادند، زیارت را با درود و سلام و صلوات بر رسول بزرگوار صلی الله علیه و آله و سلم آغاز کرده و در ادامه فرمودند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَسَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبَاءُ الْعَظِيمُ»^(۱).

سلام بر تو ای آقای من، ای امیرمؤمنان علیه السلام ای امین اسرار خداوند در روی زمین و سفیر خداوند بر خلق و حجت بالغه الهی بر بندگان، سلام بر تو ای دین محکم و استوار و راه مستقیم خدا، سلام بر تو ای خبر بزرگ عالم.

در آخرین جمله از این فراز امام هادی علیه السلام با اشاره به آیه‌ای از کتاب خداوند،

۱- المزار، صفحه ۲۶۳ و مفاتیح الجنان زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر.

امیرالمؤمنین علیه السلام را مصداق **النَّبِیِّ الْعَظِیْمِ** «خبر بزرگ» معرفی می‌فرمایند. در این زمینه روایات فراوانی وجود دارد که بیان می‌کند منظور از **النَّبِیِّ الْعَظِیْمِ** ^(۱) امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد ^(۲).

لعن دشمنان، هیراف لاهان؛

نکته جالبی در این زیارت - که حدیث مفصلی هم هست و شاید تنها زیارتی که به این اندازه مفصل باشد و بتوان گفت که با آن برابری می‌کند، زیارت جامعه کبیره است - به چشم می‌خورد این است که در طول زیارت یازده مورد لعن وجود دارد. این در حالی است که امام علیه السلام تحت مراقبت شدید مأموران خلیفه بودند. کسانی که شیعیان را از لعن کردن منع می‌کنند باید بدانند و توجه داشته باشند که شیعه از روی احساسات شخصی خود، زبان به لعن دشمنان اهل بیت علیهم السلام نگشوده است. این درسی است که خود حضرات معصومین علیهم السلام و در رأس آنها امیرالمؤمنین علیه السلام به ما آموخته‌اند. ما حتی آمادگی داریم که صحت درس بزرگ برائت را از منابع اهل سنت استخراج و اثبات نماییم.

ابن ابی الحدید می‌گوید: یکی از علمای اهل سنت روز ولادت رسول الله صلی الله علیه و آله به نجف رفته بود. وی با کمال نا باوری مشاهده کرد که مردم آشکارا زبان به لعن گشوده‌اند، گویی که ذکر حضرت حق می‌گویند. چون به بغداد مراجعت کرد نزد استادش رفت و آنچه دیده بود را برای استاد تعریف کرد. استاد در پاسخ به او گفت: چه کنیم که این یادگار خود علی علیه السلام است. خود علی علیه السلام این لعن را آموخته است. به عنوان نمونه در این زیارت طولانی و روایت مفصل به بعضی از

۱- سوره نباء، آیه ۲.

۲- کافی، جلد ۱ صفحه ۴۱۸.

فرازها می‌رسیم که حضرت عاملان انحراف مسیر ولایت را لعن کرده و می‌فرماید:
«فلعن الله من عدل بك من فرض الله عليه ولايتك»^(۱).

خدا لعنت کند آنان را که عدل و همانند تو شمردند کسانی را که خدا و رسول، امامت تو را بر آنان فرض کرده بود.

ذکر همین یک مورد به عنوان نمونه کفایت می‌کند و احصاء^(۲) بقیه موارد لعن، که از زبان امام هادی علیه السلام صادر شده است را به زمان مناسب موکول می‌کنیم. این شاء الله در آن بحث اشخاص مورد لعن امام هادی علیه السلام را پس از دقت در فرازهای زیارت پیدا خواهیم کرد و ای بسا در این میان بتوانیم اسماء خاصی را هم پیدا کنیم.

مدح امیرالمؤمنین علیه السلام از زبان امام هادی علیه السلام؛

از شمارش لعن‌های موجود در این زیارت شریف که بگذریم، به تعبیر عمیق و لطیفی از مدح امیرالمؤمنین علیه السلام بر می‌خوریم که اگر از زبان شخصی به جز امام هادی علیه السلام صادر می‌شد حتماً داغ غلو بر پیشانی‌اش نقش می‌بست. حضرت در محاصره کسانی که باشنیدن نام مبارک علی علیه السلام دندان به هم می‌سائیدند، فرمودند:
«صلوات الله عليك غادية ورائحة وعاكفة وذاهبة فما يحيط المادح وصفك ولا يحبط الطاعن فضلك. أنت أحسن الخلق عبادةً وأخلصهم زهادةً وأذتهم عن الدين أقمت حدود الله بجهدك وفلت عساكر المارقين بسيفك»^(۳).

دروود خدا بر تو در تمام آغاز و انجام حرکات و سکناات ای که هیچ

۱- المزار، صفحه ۲۶۳.

۲- احصاء: شمردن. (فرهنگ معین)

۳- المزار، صفحه ۲۶۳.

مدح کننده‌ای به اوصاف کمالیه ات احاطه نخواهد کرد و طاعنان و دشمنانت هم باز به مقام فضل و کمال تو محیط نتوانند گشت. تو از نظر عبادت و بندگی خدا بهترین خلق و از جهت زهد و تقوی خالص ترین بندگان و از همه کس در دفع دشمنان دین سخت تر بودی. تویی که با مجاهده بسیار حدود و ارکان دین اسلام را استوار کردی و لشکرهای گردن کشان را به شمشیرت شکست دادی.

آری! کتاب فضل امیرالمؤمنین به سر انگشت کسی ورق می خورد که هرگز در سخنانش اغراق و غلو یافت نمی شود؛ همان کسی که وارث سخن گرانبهای رسول الله ﷺ است و ذره ذره وجودش، عمق فرمایش رسول خاتم ﷺ را درک کرده است، آنجا که فرمود:

« لو أن الریاض أقلام والبحر مداد والجن حساب والإنس کتاب ما أحصوا فضائل علی ابن ابي طالب ﷺ »^(۱).

اگر شاخه های درختان قلم و دریاها مرکب شوند و جنیان حسابگر و انسانها نویسنده شوند، نمی توانند فضایل امیرالمؤمنین ﷺ را به حساب آورند.

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که ترکنم سرانگشت و صفحه بشمارم حضرت امام هادی ﷺ پدر بزرگوارشان امیرالمؤمنین ﷺ را بهترین خلائق در عبادت، خالص ترین مردم در زهد و تقوی و نیرومندترین مدافع عالم هستی برای دین معرفی می کنند.

عبادت، فضیلت امیرالمؤمنین ﷺ؛

وجود مبارک امام هادی ﷺ در این زیارت، سه فضیلت برای جد بزرگوار

۱- بحار الانوار، جلد ۳۸ صفحه ۱۹۷.

خویش علیه السلام بیان می‌کنند. اولین فضیلتی که حضرت یاد می‌کنند «أحسن الخلق عبادة» است. واقعاً عبادت چیست و عابد چه جایگاهی دارد؟ این چه فضیلتی است که حضرت امام هادی علیه السلام برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بیان می‌کند؟ اگر در این عبارت به ظاهر ساده تأمل کنیم در می‌یابیم که امام هادی علیه السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام را قلّه نشین فضیلتی معرفی کرده‌اند که خداوند تبارک و تعالی هدف از خلقت انسان را دستیابی به آن بیان فرموده است.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^(۱).

من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

در کلمه عبادت خوب دقت بفرمایید. به اصطلاح اهل علم، عبادت از مفاهیم ذات تعلق است؛ یعنی نیازمند وجود معبودی است که پرستش شود و عابدی که در محراب عبادت بنشیند. علم و عقل دو بال انسان برای رسیدن به مقام عابدان است که عبادت بدون آنها ممکن نیست. توجه به این نکته ضروری است که تا عقل - که اشرف مخلوقات خداوند است - نباشد تحصیل علم نیز مقدور نخواهد بود. علمی هم در پرتو عقل حاصل می‌شود تنها اندکی از پرده اسرار خلقت را کنار می‌زند. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾^(۲).

جز اندکی از دانش به شما داده نشده است.

اقسام عبادت؛

تا بدین جا دانستیم که اسباب و لوازم عبادت علم و عقل است. حال سؤال این

۱- سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲- سوره اسراء، آیه ۸۵.

است که بشر به مقتضای خلقتش و به فراخور توانایی‌هایش چه چیزهایی را می‌تواند تعقل کند و به چه چیزهایی علم پیدا می‌کند؟ به عبارت دقیق‌تر آیا بشر با افق دید محدودش می‌تواند خداوند نامحدود و نامتناهی را تعقل نموده و او را ستایش نماید؟ امام باقر علیه السلام پاسخ این سؤال را داده و فرموده‌اند:

«كَلَّمَا مَيَّزَ تَمَوْهَ بِأَوْهَا مَكَمَ فِي أَدَقِّ مَعَانِيَه مَخْلُوقِ مَصْنُوعِ مِثْلَكُم مَرْدُودِ إِلَيْكُم»^(۱).

هر آنچه را [که به عنوان خدا] در او هام خود [از سایرین] با دقیق‌ترین معانی، متمایز می‌کنید باز آن ساخته شما و مانند شما است و به شما باز می‌گردد.

پس خدایی که ما می‌خواهیم به آن علم پیدا کنیم و تعقلش نماییم تا در نتیجه او را عبادت کنیم مخلوق ذهنی ما می‌شود.

در تعالیم دینی ما دو نوع عبادت معرفی شده است؛ عبادت بالتسخیر، و عبادت اختیاری. عبادت بالتسخیر یا عبادت اجباری عبادتی است که خدا همه مخلوقاتش را به آن وادار کرده است.

﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾^(۲).

هر موجودی، تسبیح و حمد او می‌گوید ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید.

هر کس به زبانی سخن مدح تو گوید بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه بنابر نص صریح آیات خداوند همه مخلوقات خویش را به این عبادت واداشته است.

﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾^(۳).

۱- بحار الانوار، جلد ۶۶ صفحه ۲۹۳.

۲- سوره اسراء، آیه ۴۴.

۳- سوره زعد، آیه ۱۵.

برای خدا سجده می‌کنند تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از روی اطاعت یا اکراه.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ﴾^(۱).

آیا ندیدی که تمام کسانی که در آسمانها و کسانی که در زمین اند برای خدا سجده می‌کنند و همچنین خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و چارپایان.

﴿وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾^(۲).

گیاه و درخت بر او سجده می‌کنند.

تعالیم آسمانی قرآن به ما می‌آموزد که همه مخلوقات خداوند - حتی آنان که به نظر ما بی جان هستند - در برابر عظمت خدا خضوع می‌کنند، اما سجده آنان نه از روی اختیار، بلکه از سر جبر است. تنها موجودی از روی اختیار به عبادت می‌پردازد که از نیروی عقل بهره‌مند باشد. در بین تمام مخلوقات الهی تنها بشر و ملائکه دارای عقلند. بشر موجود عاقلی است که در نهاد او آتش نشانی از قوای شهوانی هم وجود دارد اما ملائکه عقل محض‌اند که خداوند آنها را منحصرأ برای عبادت خلق کرده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«من ملائكة أسكنتهم سماواتك ورفعتهم عن أرضك، هم أعلم خلقك بك وأخوفهم لك، وأقربهم منك، لم يسكنوا الأضلاب ولم يضمّنوا الأرحام... وإنّهم على مكانهم منك ومنزلتهم عندك، واستجماع أهوائهم فيك وكثرة طاعتهم لك وقلّة غفلتهم عن أمرك، لو عاينوا كنه ما خفي

۱- سوره حج، آیه ۱۸.

۲- سوره الرحمن، آیه ۶.

عليهم منك لحقروا أعمالهم ولزروا على أنفسهم ولعرفوا أنهم لم يعبدوك
حقّ عبادتك ولم يطيعوك حقّ طاعتك سبحانه خالقاً ومعبوداً بحسن
بلائك»^(۱).

فرشتگانی که در آسمانهای خود اسکان فرمودی و از زمینات بالا
بردی، آن فرشتگان داناترین مخلوقات به مقام ربوبی تو هستند و
بیمناک ترین موجودات از تو و نزدیکترین مخلوقات به بارگاه قدس
و کبریایت. فرشتگان در مجاری تناسل مردها سکونت نموده و در
ارحام زنان قرار نگرفته اند... و آن موجودات شریف با آن مقام و
منزلی که در نزد تو دارند و با آن که همه خواسته های آنها متوجه و
متمركز مقام تو بوده، و آن اطاعت های فراوان که برای تو انجام
می دهند، و با این که غفلت آنان از امر تو کم است، با این همه
اوصاف، اگر حقیقت نهایی عظمت تو را که از آنها پوشیده است،
ببینند، اعمال خود را کوچک می شمارند، و به خودشان خرده گیری
می نمایند، و می فهمند که مطابق آنچه شایسته مقام ربوبی توست، تو
را نپرستیده اند و به نحوی که حق اطاعت توست، تو را اطاعت
نموده اند. خداوندا! ای منزّه از همه نقایص در خالقیت و معبودیت.

امیر المؤمنین علیه السلام در جای دیگر می فرماید:

«... من ملائکته، منهم سجود لا یرکعون و رکوع لا ینتصبون، و صاقون لا
یتزایلون و مسبّحون لا یسأمون، لا یغشاهم نوم العین ولا سهو العقول ولا
فترة الأبدان، ولا غفلة النسیان»^(۲).

۱- نهج البلاغة، خطبة ۱۰۸ ج ۷ ص ۲۰۰.

۲- نهج البلاغة، خطبة ۱.

برخی از فرشتگان سجده کنانی هستند که رکوعی ندارند، برخی دیگر برای رکوع خمیده‌اند و قامت برای قیام راست نمی‌کنند، گروهی از آنان صف کشیدگانی هستند که هرگز هیچ دگرگونی در وضع خود نمی‌دهند، تسبیح گویانی هستند که خستگی و فرسودگی راهی به آنان ندارد. نه بر چشمانشان خوابی پیروز می‌گردد و نه بر عقولشان اشتباهی، نه بر کالبدهایشان سستی روی می‌آورد و نه به آگاهی‌هایشان غفلت و فراموشی.

عده‌ای دیگر از ملائکه را حضرت این گونه معرفی می‌کند.

« منہم أمناء علی وحیہ و السنۃ الی رسلہ و مختلفون بہ قضائہ و أمرہ و منہم الحفظۃ لعبادہ و السدنة لأبواب جنانہ و منہم الثابتة فی الأرضین السفلی أقدامہم و المارقة من السماء العلیا أعناقہم و الخارجة من الأقطار أركانہم و المناسبة لقوائم العرش أكتافہم ناکسة دونه أبصارہم متلفعون تحته بأجنحتہم ... لا یتوہمون ربہم بالتصویر ولا یجرون علیہ صفات المصنوعین ولا یحدونه بالأماكن ولا یشیرون إلیہ بالنتظائر ».

گروهی از فرشتگان را امنای وحی و زبان گویا برای پیامبرانش قرار داد و دسته دیگری را وسایط اجرای فرمان قضا و امر ربوبی اش. جمعی از آنان را نگهبانان بندگانش فرمود و جمع دیگری را پاسبان دربهای فردوس برین اش. بعضی از فرشتگان پاهایی در سطوح پایین زمین دارند و گردن‌هایی بالاتر از مرتفع‌ترین آسمانها و اعضای کالبدی گسترده‌تر از پهنه صفحات کیهان بی‌کران و دوش‌هایی همسان پایه‌های عرش، این موجودات مقدس در برابر عرش خداوندی از روی تعظیم چشم به پایین دوخته‌اند و در زیر عرش

ربانی به بالهای خویشتن پیچیده‌اند... آنان هرگز خدا را با تصویر و ترسیم‌های محدود کننده نمی‌پندارند و صفات ساخته‌ها را به مقام شامخ‌اش نسبت نمی‌دهند، و او را با تصوّر در جایگاه‌ها محدود نمی‌سازند و با امثال و نظایر اشاره به ذات اقدسش نمی‌کنند.

با این مقدمه نسبتاً طولانی به سخن امام هادی علیه السلام که در میان فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام بوده باز می‌گردیم.

«أنت أحسن الخلق عبادةً» تعبیر لطیف امام هادی علیه السلام جالب توجه است. حضرت وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیه السلام را «احسن الخلق» معرفی می‌کنند نه «احسن الناس». این خود بیانگر فضل امیرالمؤمنین علیه السلام بر تمام عالم خلقت است. معنای سخن این است که هیچ خلیفه‌ای و هیچ موجودی مثل امیرالمؤمنین علیه السلام نمی‌تواند خدا را عبادت کند؛ یعنی عبادت حضرت با عبادت ملائکه‌ای که همیشه در حال رکوع و یا سجودند قابل مقایسه نمی‌باشد. در یک کلام، عبادت ملائکه‌ای که قوائم عرش الهی را بر دوش می‌کشند و پای در اسافل^(۱) زمین داشته و گردن در اعالی^(۲) آسمانها افراشته‌اند در مقابل یک تکبیر امیرالمؤمنین علیه السلام قطره‌ای نا چیز در اقیانوسی پهناور است.

ترسیم عبادت از نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام؛

برای آنکه «احسن الخلق عبادةً» را بهتر بشناسیم، جا دارد که با مراجعه به سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام نگرش ایشان را نسبت به چگونگی و انگیزه‌های عبادت دریابیم. حضرت می‌فرماید:

۱- اسافل: پایین تران. (فرهنگ معین)

۲- اعالی: بالاتر، برتران. (فرهنگ معین)

« إِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتَلَكَ عِبَادَةَ التَّجَارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتَلَكَ عِبَادَةَ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتَلَكَ عِبَادَةَ الْأَحْرَارِ »^(۱).

قومی خدا را برای سودجویی پرستیدند. این عبادت بازرگانان است و گروهی خدا را عبادت کردند به جهت ترس و این عبادت بندگان است و جمعی خدا را به انگیزه سپاسگزاری عبادت کردند و این است عبادت آزاد مردان.

صرف نظر از اینکه آیا عبادت تاجران و بندگان ارزش دارد یا خیر، باید توجه داشته باشیم که این دو دسته به طمع یا ترس خدای نادیده را عبادت می‌کنند. این دو دسته دینِ حذاقلی خود را حفظ می‌کنند و ای بسا جز مصونیت از عقاب الهی عایدشان نشود. اما آنان که خدا را به انگیزه سپاسگزاری پرستش می‌کنند و به فراتر از بهشت و جهنم می‌اندیشند کسانی هستند که خداوند قلوبشان را به نور یقین منور نموده است. عصاره عالم خلقت گرفته شده و خداوند تمام خدایی خویش را به نمایش گذاشته تابنده‌ای چون امیرالمؤمنین ع خلق شود که سر آمد احرار عالم باشد و خداوند را به جهت خدایی‌اش پرستش کند. چه کسی جز علی ع جرأت می‌کند که بانگ برآورد:

« اللَّهُمَّ مَا عَبْدتَكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكِ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ وَلَكِنْ وَجَدتَكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدتَكَ »^(۲).

[خدایا!] تو را نه از ترس آتش جهنم‌ات و نه به طمع بهشت‌ات عبادت می‌کنم، بلکه تو را اهل عبادت و پرستش دیدم پس عبادتت کردم. این سخن را کسی به زبان می‌آورد که پاداش و نعمت‌های بهشتی و عظمت

۱- نهج البلاغه، حکمت شماره ۲۳۷.

۲- بحار الانوار، جلد ۴۱ صفحه ۱۴.

جنت نعيم را و جهنم و هولناکی عذاب آن را به چشم دیده است و اینک هر کجا که می‌نشینند از سر دلسوزی این آیه را تلاوت می‌کند:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ * يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلُّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا ﴾^(۱).

ای مردم از عذاب پروردگارتان بترسید که زلزله رستاخیز امر عظیمی است * روزی که آن را می‌بینید هر مادر شیر دهی کودک شیر خواریش را فراموش می‌کند و هر بارداری جنین خود را بر زمین می‌نهد.

امیرالمؤمنین در خطبه متقین در رابطه با انسانهای با تقوا چنین می‌فرماید:

« فِیهِمُ وَالْجَنَّةِ كَمَنْ قَدْ رَأَاهُمْ فِیْهَا مَنْعَمُونَ وَهُمْ وَالنَّارِ كَمَنْ قَدْ رَأَاهُمْ فِیْهَا مَعْدَبُونَ »^(۲).

مثل بهشت و آنان چونان است که آن را دیده‌اند و در مقام والای آن بهشت در نعمت غوطه ورنند، و مثل دوزخ و آنان چونان است که آن را دیده‌اند و در میان آن در عذابند.

از این گونه عبارتها که کسی جز وجود امیرالمؤمنین علیه السلام توان به زبان آوردنش را ندارد، در تعبیر حضرت علیه السلام فراوان یافت می‌شود. به راستی خدا را اهل عبادت یافتن یعنی چه؟ آیا این یافتن مثل یافتن گمشده‌های دیگر است؟ و آیا بشر به جایی می‌رسد که خدا را گم کند؟ بیان امیرالمؤمنین علیه السلام، ما را به این نتیجه می‌رساند که پیمودن مسیری غیر از طریق اهل بیت علیهم السلام خدا را - که همان میثاق فطرت است - در نهاد آدمی به دست فراموشی می‌سپارد.

این میثاق فطرت و این خدانشناسی نهفته در فطرت بشر را به نحو اکمل

۱- سوره حج، آیات ۲ و ۱.

۲- نهج البلاغه، خطبه شماره ۱۹۳.

حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام یافته است. تنها چنین شخصی می‌تواند یافته خود را به شکل کامل عبادت می‌کند.

مظلوم‌ترین امیر جهان؛

از آنچه تا کنون گفتیم به خوبی روشن می‌شود که عبادت اگر آن است که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به جا می‌آوردند، آنچه دیگران انجام می‌دهند یادآور جمله «حسنات الأبرار سیئات المقربین» است. سخن از شناختن خدا و یافتن او فقط برزنده امیرالمؤمنین علیه السلام است. به همین علت است که امام هادی علیه السلام فضیلت «برترین عبادت کننده» را به جد بزرگوارشان اختصاص می‌دهند.

اینکه ما هر از چندگاهی لزوم تدبّر و اندیشیدن در مسائل دینی و مذهبی را به خواهران و برادران توصیه می‌کنیم و متذکر می‌شویم به جهت سفارش خود امیرالمؤمنین علیه السلام است که همگان را به تدبّر و تعمق در آنچه می‌خوانند دعوت فرموده‌اند. امیرالمؤمنین علیه السلام در جمله‌ای می‌فرمایند:

« لا خیر فی قراءۃ لیس فیها تدبّر »^(۱).

خیر و منفعتی در خواندن بدون تدبّر وجود ندارد.

تاریخ بر این سخن ما به خوبی مهر تأیید می‌زند که هر زمان جوامع، اهل تدبّر و اندیشه بوده‌اند راه به جایی برده و سعادت‌مند شدند و هرگاه از اندیشیدن فاصله گرفتند چونان پشه‌ای در باد، سرگردان شده‌اند. خدا را از بابت اینکه در معرض وزش نسیم محبت امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گرفته‌ایم شکر می‌کنیم اما شناخت عمیق و متدبّرانه امیرالمؤمنین علیه السلام - اگر چه از هیچ فکر و اندیشه‌ای ساخته نیست و کلمات ما هم توان ادای حقّ حضرتش را ندارد - باید به صورت

۱- کافی، جلد ۱، صفحه ۳۶.

فرهنگ و تکلیف روزانه شیعیان قرار گیرد. شاید همین سختی مسیر شناخت امیرالمؤمنین علیه السلام است که به رغم آنکه دوست و دشمن را به ثناگویی و مدح واداشته، حضرتش را پرده نشین یگانه سرای مظلومیت کرده است تا جایی که خود می‌فرماید:

«ما زلت مظلوماً»^(۱).

همواره ستم‌دیده هستم.

شدت مظلومیت حضرت علیه السلام، حتی در دوران خلافت ایشان هم به خوبی روشن بود. شخصی در دوران خلافت حضرت علیه السلام بر ایشان وارد شد. گویا حضرت علیه السلام مشغول سخن گفتن بودند که مرد زبان به شکوه گشود. حضرت حال او را پرسیدند. مرد گفت: من مظلوم مانده‌ام و برای استغاثه آمده‌ام. حضرت به او فرمود:

«لقد ظلمت عدد المدر والمطر والوبر»^(۲).

به درستی که به اندازه سنگ ریزه‌های بیابان و باران و پشمها، به من ظلم شده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام امروز هم در میان شیعیان و حتی روز ولادتش هم مظلوم است. از هر دری سخنی گفته می‌شود جز بیان شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام و ظلم و ستمهایی که به علی بن ابی طالب علیه السلام روا داشته شد. از همه چیز سخن گفته می‌شود جز حقی که از امیرالمؤمنین علیه السلام غصب کردند. مظلومیت حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام یعنی به زنجیر کشیده شدن بشریت و انسانیت؛ یعنی اسارت همه ارزشها و کمالاتی که بشر می‌بایست در سایه پیشوایی چون

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۹ صفحه ۲۰۶.

۲- مناقب آل ابی طالب، جلد ۱ صفحه ۳۸۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام به آن دست یابد. امیدواریم که این ایام و مواقع و اعیاد و وفیات و سائل و اسبابی باشد که ذره‌ای معرفت ما را نسبت به مقام شامخ قطب دایره امکان، امیرالمؤمنین علیه السلام، و تنها کسی که به اعتراف شیعه و سنی، مفتخر به ولادت در خانه کعبه است^(۱)، بیشتر کند.

امیدواریم خداوند متعال عیدی ما را به برکت مولود امشب، تعمیق معرفت، آشنایی و ارادت ما نسبت به ساحت مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام قرار بدهد و در نسل ما دشمن و مبغض امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام قرار ندهد.

« والسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

۱- برای اطلاع بیشتر به جزوه شماره ۲۱ رجوع کنید.

خود آزمایی؛

- ① منظور از ﴿النَّبَأِ الْعَظِيمِ﴾ چه شخصیتی می‌باشد؟
- ② در رابطه با عدم شمارش فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چه فرمودند؟
- ③ اولین و مهمترین فضیلتی که امام هادی علیه السلام برای امیرالمؤمنین علیه السلام بر می‌شمارند، چیست؟
- ④ عبادت و انواع آن را توضیح دهید.
- ⑤ امیرالمؤمنین علیه السلام عبادت فرشتگان را چگونه توصیف می‌نمایند؟
- ⑥ امیرالمؤمنین علیه السلام عبادت، بندگان، تاجران و آزاده‌گان را چگونه بیان می‌کنند؟
- ⑦ امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد مظلومیت خویش چه فرمودند؟
- ⑧ شروط مهم توانایی بر عبادت چیست؟

تاریخ بر این سخن ما به خوبی مهر تأیید می‌زند که هر زمان جوامع، اهل تدبیر و اندیشه بوده‌اند راه به جایی برده و سعادت‌مند شدند و هرگاه از اندیشیدن فاصله گرفتند چونان پشه‌ای در باد، سرگردان شده‌اند. خدا را از بابت اینکه در معرض وزش نسیم محبت امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گرفته ایم شکر می‌کنیم اما شناخت عمیق و متدبرانه امیرالمؤمنین علیه السلام - اگر چه از هیچ فکر و اندیشه‌ای ساخته نیست و کلمات ما هم توان ادای حقّ حضرتش را ندارد - باید به صورت فرهنگ و تکلیف روزانه شیعیان قرار گیرد. شاید همین سختی مسیر شناخت امیرالمؤمنین علیه السلام است که به رغم آنکه دوست و دشمن را به ثناگویی و مدح و داشته، حضرتش را پرده نشین یگانه سرای مظلومیت کرده است تا جایی که خود می‌فرماید...

(صفحه ۱۶ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت: ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir

به سوی معرفت ۶۰

۲